

بازخوانی یک سند از اواخر دوران صفویّه

سعید میر محمد صادق
نادره جلالی

bāz-khāni - ī yak sanad az
avākhir dawān - ī šafaviya

551-53



حاج میرزا حسن خان جابری انصاری اصفهانی، نویسنده کتابها و رساله های فراوانی همچون: آفتاب درخشنده، آگهی شهن از کار جهان (۴ جلد)، اثبات معراج و معاد جسمانی و ...^۱

در یکی از کتابهای خود، گروهی را از بزرگان خویش که در اصفهان ساکن بودند، نام می برد، از جمله:

۱- خواجه کمال ابوالفتح جابری فرزند خواجه جلال - الدوله، معاصر شاه اسماعیل صفوی و مُشرف خزانه سلطنتی

۲- میرزا محمد علی، کلانتر اصفهان

۳- میرزا محمد باقر فرزند میرزا محمد علی، واقف خانه ها و املاک در اصفهان

۴- میرزا حسین جابری، کلانتر و حکمران اصفهان در عهد نادر شاه

۵- میرزا سلمان اعتمادالدوله فرزند علی، ادیب و شاعر دوره شاه طهماسب و وزیر دیوان اعلی در دوره شاه عباس اول

۶- حاج میرزا علی امین الوزاره فرزند محمود، از شاگردان فاضل و ادیب آخوند ملا عبدالجواد خراسانی و از اجزای دستگاه ظل السلطان.^۲

در پایان، توضیح پاره ای از واژه ها و اصطلاحات متن سند که در فهم آن مفید می افتد، درج می گردد و آن گاه متنی سند در پی می آید.

کلانتر: وظیفه کلانتر، نظارت بر امور شهر و تعیین کدخدایان محلات و ریش سفیدان اصناف - با مشورت و موافقت مردم هر محل و افراد هر صنف - اصلاح حال رعیت بوده است. همچنین کلانتر به اختلافات کسبه و اصناف، و شکایات رعایا و زارعان و ... رسیدگی می کرده است، (نصراله فلسفی، زندگی شاه عباس اول، ج ۲، ص ۴۱۲).

این سند، فرمان شاه سلطان حسین صفوی در مورد واگذاری ضبط و تصدّی محال مبارک آباد (مبارکه امروزی) به میرزا محمد علی جابری کلانتر اصفهان است. اصل سند، به شماره کارت / شماره تنظیم ۱۸ - در سازمان اسناد ملی نگهداری می شود.

طول و عرض سند، ۲۵ در ۴۸ سانتی متر است و به خط شکسته نستعلیق نوشته شده و ۱۶ سطر دارد. مهر سند چهارگوش است و تزییناتی در اطراف آن دیده می شود. سجع مهر چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم، کمتربین کلب امیرالمؤمنین سلطان حسین، ۱۱۲۵

این سند، از نوع «رقم» است.^۱ واژه «رقم» اصطلاحی دیوانی است به معنی فرمان و حکم، که از دوره صفویّه رواج یافته و عموماً به فرمانهای پادشاه - کتبی یا شفاهی - و به احکام شاهزادگان و مأموران عالی رتبه دولتی اطلاق می شده است.^۲

نثر سند، ساده و به دور از تکلف و پیچیدگی است و آرایه های لفظی و بدیعی در آن دیده نمی شود.

□ □

اما، میرزا محمد علی جابری که به موجب این سند تصدّی منطبقه «مبارکه اصفهان» را عهده دار شده، از خاندان «جابری» های معروف اصفهان است که نسب خود را به جابرین عبدالله انصاری - از صحابه سرشناس پیامبر (ص) - می رساندند. این خاندان که از بزرگان علم و ادب روزگار خود به شمار می آیند، در دستگاه حکومت صفویان و افشاریان و قاجاریان صاحب منصب و نفوذ بودند. از میان افراد این خاندان، میرزا سلمان جابری - وزیر شاه عباس اول - از همه معروفتر است.

۱- درباره این نوع اسناد، رجوع شود به:

تذکره الملوك، به تصحیح دکتر محمد دبیر سیبانی، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم: ۱۳۶۸، ص ۱۵.

۲- مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی، دکتر جهانگیر قائم مقامی، تهران، انجمن، آثار ملی ایران، ۱۳۵۰، ص ۷۴.

۳- برای اطلاع بیشتر از فهرست آثار وی، رجوع شود به:

فهرست کتب چاپی فارسی، خانیابا، انتشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ذیل نام «شیخ میرزا محمد حسن جابری انصاری اصفهانی».

۴- تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، اصفهان، کتابفروشی ثقفی، چاپ دوم: ۱۳۴۸، ص ۲۷۱ و ۲۷۲.



تخاقوی ٹیل: سال مرغ در زبان ایغوری و ترکی.
عالی جاه: لقب کسی بود که می توانست با شخص شاه
ملاقات کند.

وزیر دیوانِ اعلی: در تذکره الملوك (ص ۵-۶) آمده
است: «عالی جاه وزیر اعظم دیوان اعلی و اعتمادالدوله
ایران، عمده ترین ارکان دولت و قاطبه امرای درگاه محلی و
سرحدات ولایات محروسه [است]، و داد و سند کل مالیات
دیوانی و وجوهات انفادی خزانه عامره و غیره بیوتات از کل

ممالک ایران و دارالسلطنه اصفهان بدون تعلیقه و امر
عالی جاه معظم الیه داد و سند نمی شود. و ارقام تعیین
مناصب و ضمن کل ارقام البته باید اولاً به مهر عالی جاه
معظم الیه رسیده، ثانیاً به مهر آثار اقدس اعلی مزین گردد.»
دفتر خلود: دفتری است که تمام احکام و ارقام دیوانی در
آن ثبت می شود.

مستوفی: مأمور مالیات. منظور از مستوفیان دیوان اعلی
که در متن آمده، مستوفیان دربار است.

سجع مهر: بسم الله الرحمن الرحيم
کمترین کلب امیرالمؤمنین سلطان حسین ۱۱۲۵.

متن سند:

- ۱/ حکم جهان مطاع آنکه بنا بر شفقت بی غایت شاهانه و مرحمت بی نهایت پادشاهانه درباره نجابت و رفعت و صدارت پناه
 - ۲/ شهریاری زین للنجابة والرفعة والمعالي میرزا محمد علی جابری کلانتر دارالسلطنه اصفهان، از ابتدای پنج ماهه تخاقوی ٹیل، ضبط و
 - ۳/ تصدّی محال مبارک آباد دارالسلطنه اصفهان را به نجابت و رفعت و صدارت پناه مشارالیه مفوض و مرجوع، و آنچه به هر جهت
 - ۴/ از رسوم و غیره در ازای امر مزبور در وجه قاسم خان متصدّی سابق مقرر بوده، به دستور در وجه مشارالیه شفقت و مرحمت
 - ۵/ فرمودیم که چنانچه باید و شاید از کاروانی و سعی و اهتمام او سزد، به ضبط و نسق و زراعت و آبادی محال مزبور
 - ۶/ قیام و اقدام نموده، دقیقه [ای] فوت و فروگذاشت ننماید. و نحوی نماید که محال مزبور حسب الواقع نسق و زراعت
 - ۷/ شده، توفیر و تفاوت کلی در حاصل و مداخل محال مزبور به هم رسد و حُسن سعی و اهتمام خود را در هر باب بر نواب
 - ۸/ کامیاب همایون ما ظاهر سازد. و هر محلی که رعیت نداشته باشد، رعیت از جای دیگر مستمال ساخته و به آنجا
 - ۹/ آورده، محل مزبور را زراعت و نسق و آبادان نماید و مال و منال و حاصل محال مذکور را ضبط، و به مصارفی
 - ۱۰/ که مقرر شود مصروف سازد و سال به سال نسخه منقحه به خط مستوفی سرکار مزبور درست داشته، به نظر آفتاب
 - ۱۱/ اثر رساند که بعد از رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی در دفاتر خلود عمل نمایند. و در هیچ باب به تقصیر از خود راضی
 - ۱۲/ نشده، آنچه لازمه اهتمام است، در هر باب به عمل آورد و رعایا و کدخدایان محال مزبوره شهریاری مشارالیه را
 - ۱۳/ متصدّی بالاستقلال و الانفراد محال مزبور دانسته از سخن و صلاح حسابی او که در باب نسق و زراعت و آبادی
 - ۱۴/ محال مزبوره گوید، بیرون نروند و اطاعت و انقیاد او را به جای آورند. مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی، رقم
 - ۱۵/ این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده، از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند.
- تحریر آفی شهر
۱۶/ ذی حجة الحرام سنه ۱۱۲۹



حکم **سکتنا** بر شریفیت مانده در حقیقت پادشاه در باره کجاست و در فصل
 شریفیت لایق به روزه و نماز و غیره که در کلمات و در اصطلاح حلال است اما اینجا که در اصطلاح
 تصد مال مبارک باد و در اصطلاح صفهان را بنامیت دروغ و صلاه مثالی مفوض در جمع و اینکه
 از روم و غیره در بازار امروزی درجه استخوان متصد سابق مقر بوده به دستور درجه شریفیت و
 فرمودیم که چنانچه باید و کار کار در امور و اهتمام او نهد در ضبط و نسق و زرعیت و آبادی
 قیام و اقدام نموده و قیامت و ذوق است نماید و نکونای که عمل مزبور حسب الوان نسق در
 شده توفیر و وفاداری که در حاصره و در عمل مزبور بهم رسد حسن سعادت و اهتمام خود را در
 کامیاب مایون ما ظاهر سازد و هر محلی که رعیت شد رعیت اجاری که متعالی خود
 آورده و در مزبور رعیت نسق و آبادان نماید و مال و مال و مال نکونای در ضبط و مصارف
 و متوجه مصروف سازد و مال نکونای نسق و رعیت نسق و رعیت نسق در ضبط و مصارف
 اثر آن که بعد از رسم عالیه وزیر دیوان در دفاتر خلوه و در هیچ باب مقصود خود
 نشده آنچه لازم است در هر باب بعد از بار و رعایت و کدخدایان مال مزبور رعیت
 متصد استیصال و الا نفوذ عمل مزبور دانسته از نسق و صلاح است که در باب نسق در رعیت و آبادی
 مالم بلکه گوید چون نزد طاعت و نفیث و او را با کبار آوردند چنان عظم کرام دیوان
 آن عطفه را در دفاتر خلوه و رعیت نسق و رعیت نسق و رعیت نسق در ضبط و مصارف

دو نیمه ایست ۱۱۳۹



میر محمد سادق

مصلحتہ، شریعتی، اجتماعی و تاریخی
سالانہ - شماره دوم - تابستان ۱۳۳۳

شریحی پر رسالہ الولاية
فرہنگ اصطلاحات و فقہ
الاسعاف من الحکام الاوقاف
سیر تہذیبی شہر تہذیب

طوبختہ
تہذیبی پر بیکی از ترجمہ ہادی برآن کریم
تہذیبی پر بیکی از ترجمہ ہادی برآن کریم

اراضی و حق در شہر تہذیب
ملا علیہ السلام و شہر تہذیب
تہذیبی پر بیکی از ترجمہ ہادی برآن کریم

تہذیبی پر بیکی از ترجمہ ہادی برآن کریم
تہذیبی پر بیکی از ترجمہ ہادی برآن کریم
تہذیبی پر بیکی از ترجمہ ہادی برآن کریم

تہذیبی پر بیکی از ترجمہ ہادی برآن کریم
تہذیبی پر بیکی از ترجمہ ہادی برآن کریم
تہذیبی پر بیکی از ترجمہ ہادی برآن کریم

الولاية
الولاية
الولاية
الولاية
الولاية

الولاية
الولاية
الولاية
الولاية
الولاية